



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



کتابخانه خانوادگی

در مقابل تعارض فرهنگی

نویسنده: زهرا السادات قادری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش خانواده در مقابل تهاجم فرهنگی

نویسنده:

زهرا السادات قادری

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	نقش خانواده در مقابل تهاجم فرهنگی
۸	مشخصات کتاب
۸	پیشگفتار
۸	مقدمه
۱۰	فرهنگ چیست؟
۱۰	انواع فرهنگ
۱۰	اشاره
۱۰	فرهنگ مادی
۱۱	فرهنگ الهی
۱۱	خصوصیات فرهنگ
۱۲	وجوه مشترک فرهنگ
۱۲	آسیب شناسی تهاجم فرهنگی
۱۳	زمینه های پیدایش تهاجم فرهنگی
۱۳	زمینه های داخلی تهاجم فرهنگی
۱۳	بی توجهی به فرهنگ خودی
۱۳	خود باختگی فرهنگی
۱۳	رفاه طلبی و تجمل گرایی
۱۳	عقب ماندگی علمی و صنعتی
۱۴	عدم شناخت صحیح از دین و بی توجهی در عمل به آن
۱۴	بخش دوم
۱۴	زمینه های خارجی تهاجم فرهنگی
۱۴	اشاره

۱۴	تبلیغ علیه تعالیم الهی
۱۴	برتری نژادی
۱۴	رشد صنعتی و تکنولوژی
۱۵	شکست شیوه استعمار مستقیم
۱۵	وابستگی فرهنگی زمینه ساز سایر سلطه ها
۱۵	اهداف و آثار تهاجم فرهنگی
۱۵	بخش اول
۱۶	بخش دوم
۱۶	شیوه های تهاجم فرهنگی دشمن
۱۶	ابزارهای تهاجم فرهنگی
۱۷	ویژگی های تهاجم فرهنگی
۱۷	تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی
۱۸	سیر تاریخی تهاجم فرهنگی در ایران
۱۹	فرهنگ غربی و فرهنگ شرقی
۲۰	عوامل تهاجم فرهنگی
۲۰	اشاره
۲۰	عوامل برونزا
۲۰	عوامل درونزا
۲۰	نقش خانواده در مقابل تهاجم فرهنگی
۲۰	راههای مقابله با تهاجم فرهنگی
۲۱	اشاره
۲۲	تقویت بینش دینی و سیاسی
۲۲	دقت در برنامه های آموزش و پرورش کودکان ، نوجوانان و جوانان
۲۳	زدودن فقر اقتصادی

- ۲۳ پیشگیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن
- ۲۳ تقویت و احیای عزت نفس
- ۲۴ مبارزه با روحیه تجمل گرایی
- ۲۴ استفاده از همه ابزارهای ممکن برای دفاع فرهنگی
- ۲۴ منابع
- ۲۵ درباره مرکز

نقش خانواده در مقابل تهاجم فرهنگی

مشخصات کتاب

نویسنده: زهرا السادات قادری

ناشر: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

پیشگفتار

«تهاجم فرهنگی به این معنی است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسیر کردن یک ملت به بنیانهای فرهنگی آن ملت هجوم می‌برند.»

«تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی متفاوت است. تبادل فرهنگی لازم است و هیچ ملتی از اینکه معارفی را در تمام زمینه‌ها از جمله فرهنگ و مسائلی که عنوان فرهنگ به آن اطلاق می‌شود از ملتهای دیگر بیاموزد، بی‌نیاز نیست. در همیشه تاریخ هم همینطور بوده و ملتها در رفت و آمدهایشان با یکدیگر، آداب زندگی، خلقیات، علم، نحوه لباس پوشیدن، آداب معاشرت، زبان، معارف و دین را از هم فرا گرفته‌اند. این مهمترین مبادله ملتها با هم بوده که از تبادل اقتصادی و کالا هم مهمتر بوده است.»

مقام معظم رهبری

مقدمه

حیات بشری همواره با فرهنگ توأم بوده است و ملتی که فرهنگ مخصوص به خود نداشته باشد، مُرده محسوب می‌شود؛ علاوه بر این، یک فرهنگ بالنده برای تکامل خود باید توانایی تبادل با سایر فرهنگ‌ها و جذب عناصر مثبت آن را داشته باشد؛ بنابراین، تمام فرهنگ‌ها باید در تعامل با یکدیگر باشند، تا بتوانند در مجموع، بشر را به پیشرفت مطلوب برسانند.

برای فرهنگ در حدود دویست و پنجاه تعریف ارائه کرده‌اند؛ از جمله:

- کلیه دستاوردهای مادی و معنوی هر جامعه، اعم از دانش، هنر، اخلاقیات، قواعد، آداب و رسوم، عبادات و دیگر قابلیت‌های اکتسابی، که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد.
- مجموعه باورها، بینش‌ها، ارزش‌ها، آداب و سنن، اخلاق و اندیشه‌های پذیرفته شده و حاکم بر یک جامعه.
- مجموعه پیچیده‌ای که در برگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی که به وسیله انسان، به عنوان عضو جامعه، کسب شده است.
- فرهنگ مجموعه‌ای از آگاهی‌ها (شناخت‌ها) و رفتارهای فنی، اقتصادی، آیینی (شعائر)، مذهبی، اجتماعی و غیره است که جامعه انسانی معینی را مشخص می‌کند.

فرهنگ که فرآیندی از آداب و رسوم، خوی‌ها و خصلتها و چگونگی روابط حاکم بر مجموعه‌ها و گروههای انسانی است ضمن آنکه خود زاینده زندگی اجتماعی انسانهاست، تأثیر شگرف و غیر قابل تردیدی بر چگونگی زندگی و ادامه حیات اجتماعی و ملی

ملتها نیز دارد.

تعاریف مختلف و متفاوت از فرهنگ بیانگر این مطلب است که تمام دستاوردهای مادی و معنوی بشر در طول تاریخ در قالب اصطلاح فرهنگ قابل تعبیر است.

به عبارت دیگر، فرهنگ هر ملّتی ریشه در اعتقادات، طرز تلقی‌ها و نوع نگرش آنها به جهان و مسائل موجود در آن دارد. بنابراین به میزانی که پایه‌های اعتقادی و باورهای اجتماعی ملّتی مبتنی بر حقایق و ارزشهای انسانی و الهی باشد، ارزشهای فرهنگی او نیز شایسته‌تر، تمجید و درخور ستایش و قابل پیروی خواهد بود. اما پُر واضح است که در طول تاریخ حیات بشری، همواره آداب و سنن و خلق و خوی انسانها در جهت حق و بر اساس برداشتهای حق‌جویانه و واقع‌گرایانه از قضایا و مسائل مختلف نبوده و در بسیاری موارد و به دلایل عدیده، انحراف و کجروی و دوری از صراط مستقیم فلاح و رستگاری و درغلتیدن در دامن موهومات و باورهای خرافی، باطل‌گرایانه، غیر الهی و ضد بشری‌گرایانگیز اقوام و ملل مختلف شده است.

همچنین به علت خوی اجتماعی انسان، مراودات و ارتباطات انسانی و به تبع آن روابط فرهنگی و مبادلات فکری نیز به موازات تاریخ تحولات و تمدن بشری وجود داشته است.

در این میان بنا بر نص صریح قرآن، تقابل و تضاد بین دو فرهنگ «الهی» و «غیر الهی» و نزاع و درگیری بین دو مقوله «حق» و «باطل» از صبحدم تاریخ وجود داشته و تا واپسین لحظات غروب حیات بشری نیز ادامه خواهد داشت و در این مسیر، خدا پرستان و حق‌جویان، همواره رویاروی باطل‌گرایان و شب‌پرستان، در نبردی آشتی‌ناپذیر بسر خواهند برد.

امروزه با پیشرفت سریع تکنولوژی و علم و صنعت و با پیدایش قطبهای غول‌آسای صنعتی، اقتصادی و نظامی و با سیطره فرهنگ ابتدال، رفاه‌زدگی و مادّیت‌پرستی بر کفر پرستان شرق و هیچستان غرب این امکان فراهم آمده است که سران کفر و الحاد و مستکبران جهان‌خوار، دم از تشکیل «دهکده جهانی» زده و با گسترش سلطه شبکه سازمانهای بین‌المللی بر سراسر عالم، حاکمیت «نظم نوین جهانی» را خواستار شدند. اینان به منظور دستیابی به این اهداف شوم، و در پی بسط و توسعه سلطه و نفوذ شیطانی و اهریمنی خود در تمام شؤون زندگی ملت‌های گوناگون در سراسر دنیا، از طریق نهادهای وابسته به سازمان باصطلاح ملل متحد و با جهت‌دهی به تصمیمات این نهاد و کنترل حساب‌شده آنها، در سرنوشت تمامی ملتها به صورتی آشکار و نهان دخالت می‌کنند. به بهانه دفاع از حقوق بشر، با استفاده از وحشیانه‌ترین و رذیلانه‌ترین اقدامات ضد بشری، حکومت‌های کشورها را تغییر می‌دهند، تصفیه‌های خونین نژادی را که به دامنشانه‌ترین روشها صورت می‌گیرد، با ظرافت و ترفندهای گوناگون توجیه می‌کنند، از طریق پیمان‌های چند جانبه اقتصادی همانند «گات» و غیره زمینه‌های سلطه شوم اقتصادی خود را بر کشورهای ضعیف و عقب‌مانده فراهم می‌کنند و با آزمایش هر روزه سلاح‌های مخوف و ویرانگر خود ملل محروم و مستضعف را تهدید کرده به آنها چنگ و دندان نشان می‌دهند و هر فریاد اعتراضی را به هر شکل ممکن در گلو خفه می‌کنند و بالاخره با گسترش شبکه‌های مدرن و پیچیده ارتباطی و با بهره‌گیری از حیوانی‌ترین روشها، روشها، فضای فکری، اعتقادی و فرهنگی ملتها را لجن‌مال می‌کنند و با ایجاد جوّ مسموم و خفه‌کننده فکری و فرهنگی مانع هرگونه بیداری، ابتکار، پیشرفت، آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی در میان مردم فقر زده و دربند کشورهای مورد هجوم می‌شوند.

در عصری که بسیاری از واژه‌ها معنای حقیقی خود را از دست داده‌اند، اشاعه ابتدال و فساد، نام ترویج فرهنگ و خدمت به جامعه بشری به خود می‌گیرد و دفاع از هویت ملی و ارزشهای والای انسانی و فرهنگی واپسگرایی، سکون و عقب‌ماندگی تلقی می‌شود و باندهای آشکار و نهان مافیایی از هر وسیله‌ای برای استحاله فرهنگی، و مسخ ارزشهای معنوی بهره می‌جویند. در این بین، هجوم و شیخون بر بنیانهای فرهنگی، خطرناکترین و کارسازترین حربه‌ای است که اینک موجودیت ملتها بویژه ملل اسلامی را تهدید می‌کند و انقلاب اسلامی و خاستگاه اصلی آن یعنی سرزمین دلاورخیز ایران در نوک این حملات ناجوانمردانه و رذیلانه واقع گردیده

است، آنچنان که سکاندار بیدار کشتی انقلاب و مقام منیع ولایت امر مسلمین فریاد برمی آورد که «کاری که امروز دشمن از لحاظ فرهنگی انجام می دهد نه یک تهاجم، که یک شیخون فرهنگی است.»

در پی این هشدارهای پی در پی رهبر عظیم الشان انقلاب درباره این موضوع تلاشهای گسترده ای در سطح مملکت صورت گرفته که هر یک به نوبه خود اقدامی مؤثر و شایسته در این جهاد فرهنگی به حساب می آید.

در این راستا، خانواده ها نیز به سهم خود و با توجه به جایگاه بسیار مهم و حساسی که دارند سعی بر ایجاد نقش آفرینی را باید سرلوحه کارهای خود قرار دهند تا این حربۀ خطرناک دشمن کار ساز نگردد.

در این مقاله سعی و کوشش زیادی به عمل آمده تا با استفاده از منابع گوناگون و نظرات صاحب نظران در امور مختلف مسأله تهاجم فرهنگی و نقش خانواده در مقابل تهاجم فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد.

بنابراین در لابلای این سطور، به مسائل مهمی، مانند: مسأله فرهنگ، انواع فرهنگها، تبادل فرهنگی، زمینه های پیدایش تهاجم فرهنگی (اعم از زمینه های داخلی و خارجی آن)، آثار و نتایج ویرانگری که این شیوۀ تهاجم در پی خواهد داشت، مطالب و اطلاعات مفید و جامعی را در اختیار خواننده قرار می دهد.

امید آنکه توانسته باشم از این طریق گامی هر چند کوچک در این جهاد مقدس فرهنگی برداشته و گوشه ای از رسالت عظیمی را که نسل امروز بر عهده دارد ایفا نموده باشم. انشاء...

فرهنگ چیست؟

هرچند وسیع و جامع بودن مفهوم فرهنگ، شناخت و شناساندن همه جانبه آن را دشوار ساخته است اما از دیرباز هر یک از اندیشمندان، به فراخور آگاهیهای خویش، در این حقیقت نگرسته و تعاریفی از آن ارائه داده اند. اما مع الوصف هر یک از این تعاریف پیرایه هایی از کاستی را نیز به همراه داشته و به تنهایی نمی توانند تعریف کاملی از فرهنگ به شمار آید. به عنوان مثال «تایلر» - دانشور آمریکایی - می گوید:

«روزگار ما این کلمه (فرهنگ) بر همه ابزارهایی که در اختیار ماست دلالت دارد. و همچنین بر همه رسمها و باورها، دانشها، هنرها، نهادها و سازمانهای جامعه. انسان از گذرگاه فرهنگ جامعه خود و به برکت آن، موجود اجتماعی می شود. و با مردم پیرامون خود از صدها جهت، هم رنگی و هم نوایی می یابد، و از مردم جوامع دیگر متمایز می شود.»

«نیم کوف» جامعه شناس برجسته غرب در این باره می نویسد:

«فرهنگ عصارۀ زندگی اجتماعی است. و در تمام افکار، امیال، الفاظ و تکاپوهای ما منعکس می شود و حتی در اطوار و حرکات خفیف چهره ما راه دارد.»

بر این اساس، «فرهنگ مجموعه پیچیده ای است - متضمن معلومات، معتقدات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و تمامی تمایلات، قابلیتها و عادات مکتسبه - که آدمی در حالت عضویت در یک اجتماع حاصل می نماید.»

انواع فرهنگ

اشاره

در یک نگاه کلی می توان همه فرهنگهای موجود را به دو نوع مادی و الهی تقسیم کرد و بازنگری قرار داد:

فرهنگ مادی

این فرهنگ بر پوچ انگاری ارزشهای الهی و انسانی بنا نهاده شده است. جنبه انسانی انسان به فراموشی سپرده شده و تنها به عنوان «موجود مادی» مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. چنین فرهنگی افراد پیرو خویش را پیرامون رفاه فزونتر، آزادی و بهره‌وری بیشتر از غرایز و سود پرستی به جنبش در می‌آورد.

در فرهنگ مادی هدف وسیله را توجیه می‌کند. بنابراین، پیروی چنین فرهنگی برای رسیدن به اهداف مادی و بهره‌مندی هر چه بیشتر از مزایای زندگی به هر وسیله‌ای دست می‌یازد و از هر شیوه‌ی ممکن سود می‌جویند. بدین ترتیب در سایه چنین فرهنگی، بنیادهای اخلاقی جامعه فرو می‌ریزد، ارزشهای انسانی کم رنگ می‌شود، آمار بزهکاریها فزونی می‌یابد و بشر در گرداب بی‌پناهی و تنهایی گرفتار آمده اضطراب و تشویش بر سراسر زندگی وی حاکم می‌شود.

فرهنگ الهی

فرهنگ الهی، انسان را آمیزه‌ای از پیکر خاکی و روان آسمانی می‌داند. که فرهنگ اسلامی تبلور تمام و کمال آن است، و هدفش دستیابی به کمالی است که در تابش آفتاب "وحی" حاصل می‌شود و معیار برتری افراد را نیز پرهیزگاری و پایبندی به اصول ثابت اخلاقی می‌داند. قرآن مجید در این رابطه می‌فرماید:

«ان اَكْرَمُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ»

"هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست.

اصولاً برای شناخت اصالت و میزان برخورداری یک فرهنگ از روح و حیات نیاز به مطالعه و شناخت، عناصر برجسته، جهت و حرکت، آهنگ رشد و انگیزه‌های حاکم بر آن فرهنگ می‌باشد تا مشخص شود که آیا دارای شخصیت مستقلی می‌باشد؟ و یا اینکه التقاطی بوده و دنباله‌رو فرهنگهای دیگر است.

فرهنگ اسلامی بر خلاف فرهنگ مادی که ساخته و پرداخته دست بشر است، به این ویژگی منحصر به فرد، آراسته گشته و به حیات خود ادامه می‌دهد.

متفکر بزرگ اسلامی، استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می‌فرماید:

«فرهنگ اسلامی مانند یک سلول زنده رشد کرد و فرهنگهایی را از یونانی و هندی و ایرانی و غیره در خود جذب کرد و به صورت موجود جدید با چهره و سیمای مخصوص به خود ظهور کرد و به اعتراف محققان تاریخ فرهنگ و تمدن، تمدن اسلامی در ردیف بزرگترین فرهنگها و تمدنهای بشری است.»

خصوصیات فرهنگ

خصوصیات فرهنگ را می‌توان به شرح زیر ارائه کرد:

- ۱- آموختنی و اکتسابی است: افراد هر نسل، میراث فرهنگی را از نسل گذشته دریافت می‌کنند و به نسل بعدی می‌سپارند.
- ۲- زنده است: جنبه پذیرندگی فرهنگ مربوط به زنده بودن آن است و توقف فرهنگ مساوی با مرگ آن است.
- ۳- فطرت ثانوی انسان است؛ یعنی به خودی خود عمل می‌کند؛ بر این اساس است که ارزش‌ها، بایدها و نبایدها و اهداف و عادات، پایه‌های فرهنگ را می‌سازند.
- ۴- فراتر از سواد و تحصیلات است؛ زیرا با فطرت و سرشت انسانها مرتبط است.
- ۵- هویت‌دهنده است؛ یعنی تنظیم‌کننده روابط اجتماعی و تضمین‌کننده نوع بینش و نگرش فرهنگ‌پذیر است.

- ۶- نسبی است؛ فرهنگ متنوع است، تدابیر و روش‌ها از یک گروه به گروه دیگر فرق می‌کند و هر قومی طرز تفکر و عادات ویژه‌ای دارد.
- ۷- منتقل شدنی است؛ هر گروه انسانی میراث اجتماعی (فرهنگ) خود را به دیگران انتقال می‌دهد.
- ۸- خاص انسان است؛ فرهنگ شامل گذر از مرحله‌ی غریزی به رفتار آموخته است که الگوهای آن می‌تواند از یک شخص یا نسل به شخص یا نسل دیگر منتقل شود؛ در واقع مفهومی تجریدی از مشاهده رفتار انسان‌هاست. (۱)

وجوه مشترک فرهنگ

- همه فرهنگها، گذشته از خاستگاه خود، از ویژگیهای مشترکی برخوردارند که اشاره به برخی از آنها می‌تواند در بررسی پدیده‌های اجتماعی سودمند افتد:
- ۱- «فراگرفتنی» است. بدین معنی که فرهنگ، قابل آموختن است. و از راه وراثت به دیگری انتقال نمی‌یابد. در واقع فلسفه وجود «آموزش و پرورش» در جامعه انسانی نیز همین ویژگی است.
 - ۲- خاستگاه فرهنگ اجتماع بشری است. در واقع، فرهنگ یک موضوع اجتماعی است که در جامعه شکل می‌گیرد، بارور می‌شود و مفهوم می‌یابد.
 - ۳- هر چند فرهنگ، بزرگترین نیاز جامعه بشری است، ولی خود اساسی‌ترین نیازمندیهای زندگی انسان را برآورده می‌سازد.
 - ۴- فرهنگی، ایستایی نمی‌پذیرد و با گذشت زمان پیوسته تحول می‌یابد.
 - ۵- فرهنگ قابل انتقال است و از نسلی به نسلی یا از ملتی به ملتی دیگر منتقل می‌شود.

آسیب شناسی تهاجم فرهنگی

- در شرایط کنونی؛ با گذشت هر روز؛ نشانه‌های تهاجم فرهنگی در جامعه ما بیشتر از هر روز دیگر آشکار می‌شود. همان گونه که ارزش‌های ملی و تاریخی در این جامعه کالایی شده است، فرهنگ و زبان نیز حیثیت کالا را به خود گرفته است. تهاجمات فراوان بیرونی از حد شمارش فراتر رفته و هیچ میزان دقیق و معینی نمی‌توان بر آن گذاشت.
- در هر جامعه حفظ و نگهداشت زبان و ادبیات (به گونه خاص) مربوط به قشر روشنفکر می‌شود، اما با تأسف باید گفت: در جامعه ما بیشترین آسیب را این قشر بر زبان وارد نموده‌اند. چون امروزه در جامعه ما مردم اکثراً فکر می‌کنند که هر قدر معیار کاربرد واژه‌های بیگانه و غرب را در گفتار و نوشتار خویش بیشتر نمایند، همان اندازه انسان‌های پیشرفته معرفی خواهند شد حال آنکه خود متوجه نیستند که بدترین خیانت را در راستای زبان و ادبیات مرتکب شده‌اند. زبان اصلی و بومی در شرایط کنونی‌اش، زخمی و معیوب شده و با گذشت هر روز این زبان محدود می‌شود. پس از این بررسی کوتاه به این پرسش بر می‌خوریم که چه باید کرد تا حداقل از ادامه این وضعیت جلوگیری شود که موارد ذیل می‌توانند مفید واقع شود:
- ۱- ایجاد مراکز پژوهشی و تحقیقاتی پیرامون زبان و واژه‌های اصیل آن زبان و آفرینش واژه‌های جدید.
 - ۲- مسئولیت بزرگ، متوجه مسئولین رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری است که تلاش نمایند تا در نشریات خویش از واژه‌های بیگانه استفاده نکنند.
 - ۳- از طریق این رسانه‌ها به تمام افراد جامعه بفهمانند که زبان به حیث هویت ما است و اگر زبان آسیب‌پذیر شود ضربه بزرگی به هویت چندین هزارساله‌مان وارد خواهد شد. بنابر این باید متعهدانه تلاش نمود تا از بیگانه‌پرستی فرار کرده و دوباره به آغوش فرهنگ غنی و تاریخی خود بازگردیم.

زمینه های پیدایش تهاجم فرهنگی

پدیده های اجتماعی با علت و زمینه واحدی بوجود نمی آیند و برای بررسی و شناخت آن باید علل و عوامل متعددی را مورد شناسایی قرار داد. تهاجم فرهنگی نیز یکی از پدیده های مهم اجتماعی است که می بایست زمینه های پیدایش و گسترش آن بطور دقیق و جامع بررسی شود.

تهاجم فرهنگی امری است که همیشه دارای دو طرف «مهاجم» و «مورد هجوم» می باشد. و علل و عوامل مربوط به هر کدام از آنها با یکدیگر متفاوت ولی با هم مرتبط می باشند. بنابراین، بحث را در دو بخش زمینه های داخلی و زمینه های خارجی تهاجم فرهنگی پی می گیریم.
بخش اول

زمینه های داخلی تهاجم فرهنگی

بی توجهی به فرهنگ خودی

هر یک از جوامع انسانی، فرهنگ خاص خود را دارند، که طی سالیان متمادی در اثر خاطرات تلخ و شیرین در تاریخ سرزمین آنها شکل گرفته و به صورت فرهنگ آن سرزمین درآمده است که از آن به «فرهنگ خودی» تعبیر می شود.

تا زمانی که فرهنگ خودی به حیات خود ادامه داده و قدرت هضم و دفع تازه های فرهنگ وارداتی را داشته باشد هیچگونه آسیبی نخواهد دید.

در اسلام عنصر مهم «امر به معروف و نهی از منکر» یکی از مصادیق بارزی است که به صورت یک موتور نیرو بخش عمل کرده و به فرهنگ جامعه، پویایی و حیات مستمر می بخشد.

خود باختگی فرهنگی

حالت خود باختگی بیشتر ناشی از «خود کم بینی و احساس حقارت» در قبال پیشرفت و موفقیت های دیگران است. لذا استکبار جهانی با دست یافتن به پیشرفتهای مادی، چنین تبلیغ می کند که علت پیشرفتهای مختلف و شگفت آور جهان غرب ناشی از فرهنگ آنها است.

ج- بی لیاقتی سران حکومتها: شکی نیست که قدرت و هیأت حاکمه در یک جامعه تأثیر چشم گیری بر فرهنگ آن جامعه دارد. اگر حکمرانان مقید و مطیع ارزشهای بومی و دینی جامعه خود باشند به دوام و گسترش فرهنگ خودی کمک بسزایی می نمایند و اگر فاسد و بی لیاقت باشند، صدمات جبران ناپذیری بر فرهنگ و ذخایر معنوی و مادی جامعه وارد می کنند.

رفاه طلبی و تجمل گرایی

القاء روحیه رفاه طلبی و دنیا گرایی یکی از محورهای اصلی استکبار در تهاجم فرهنگی می باشد.

عقب ماندگی علمی و صنعتی

سرزمین شرق تا قبل از شروع انقلاب صنعتی، بعنوان مرکز صدور فرهنگ و تمدن برای جهان محسوب می شد، غربی ها برای تهیه وسایل تجاری و اقتصادی خود از قبیل پارچه ، ادویه جات و غیره با پیمودن کیلومترها راه دریایی و خشکی و قبول همه خطرات به ملل شرق رو می آوردند تا از امکانات و پیشرفتهای آنان بهره ببرند. مشکل مصرف از یک طرف و مشکل تهیه مواد اولیه مورد نیاز باعث شد که کشورهای صنعتی به جوامع عقب مانده رو آورده تا علاوه بر غارت منابع و مواد معدنی موجود در آن سرزمین و استثمار کارگران و افراد بومی ، کالاهای ساخته شده و مصرفی خود را بر بازارهای این جوامع تحمیل نمایند. این عمل مستلزم این بود که کشورهای جهان سوم ، همواره محتاج استعمارگران و کشورهای صنعتی باقی بمانند.

عدم شناخت صحیح از دین و بی توجهی در عمل به آن

عدم درک و شناخت صحیح مسلمانان از فرامین دینی و احکام شریعت یکی از عوامل مهم سلطه پذیری ممالک اسلامی محسوب می شود. اگر همه ملت‌های مسلمان آگاه شوند که قرآن مجید با تأکید فراوان ، هرگونه سلطه سیاسی و اقتصادی و... بیگانگان را بر مسلمان نفی و منع کرده ، به هیچ وجه سلطه کفار غربی را نمی پذیرفتند.

بخش دوم

زمینه های خارجی تهاجم فرهنگی

اشاره

منشأ اصلی تهاجم فرهنگی ، اوضاع و شرایط سیاسی ، اجتماعی و شرایط سیاسی ، اجتماعی خارجی ، بخصوص وضعیت بحرانی کشورهای استعماری می باشد. وقتی کشورهای بزرگ صنعتی دچار بحرانهای اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی شدند ، تنها راه چاره را در انتقال این بحران به جوامع غیر صنعتی یافتند. در این قسمت عمده ترین عوامل خارجی تهاجم فرهنگی را بر می شمیریم:

تبلیغ علیه تعالیم الهی

دشمنان ادیان الهی همیشه سعی می کنند دین را از صحنه و متن زندگی خارج نموده و آن را به حاشیه برده امری غیر ضروری جلوه دهند. زیرا دین حقیقی را مانع چپاولگری و غارت خود می بینند.

برتری نژادی

قوم گرایی و نژاد پرستی همواره یکی از معضلات بشریت بوده و می باشد از زمانهای گذشته تاکنون درگیری و اختلافات نژادی بدترین نوع جنگها بوده و بیشترین خونریزی را بدنبال داشته است.

قرآن فلسفه اصلی اختلاف رنگ، پوست، زبان، قبیله و نژاد را عامل تسهیل در شناسائی گروههای مختلف از یکدیگر می داند. ... "وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا" (۱...)

... "شما را ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید" ...

رشد صنعتی و تکنولوژی

از زمانی که کشورهای اروپایی از سلطهٔ جو خفقان قرون وسطایی نجات یافتند، تحول چشم‌گیری در زمینهٔ علوم و صنایع بدست آوردند، این پیشرفت فنی و تکنولوژیکی اگر چه در بسیاری از زمینه‌ها به خدمت بشریت شتافت، اما به علت فقدان روحیه الهی و معنوی و انسان دوستانه، صاحبان این تکنولوژی، خسارات جبران‌ناپذیری را نیز برای بشریت به بار آوردند. در نهایت چاره مشکل را در انتقال این بحران به کشورهای غیر صنعتی دیدند و در واقع «استعمار» به معنای علمی از اینجا آغاز شد.

۱- حجرات، آیهٔ ۱۳.

شکست شیوه استعمار مستقیم

کشورهای سرمایه‌داری غرب برای حل مشکلات داخلی خود با تظاهر به خدمت به بشریت و با استفاده از تسلیحات و نیروهای نظامی پیشرفته خود، دخالت در امور داخلی ملل مختلف جهان را آغاز کردند و به طور مستقیم در این کشورها حضور فیزیکی یافتند. بطور کلی کشورهای سرمایه‌داری در این مرحله نیز با بحران مهمی مواجه شدند که باز هم در صدد یافتن راههایی برای انتقال این بحران جدید، به کشورهای توسعه نیافته برآمدند.

ه- شیوه استعمار نامرئی: پس از شکست استعمار شکل مستقیم، استعمارگران با روش غیر مستقیم و نامرئی وارد صحنه شدند که به شیوه‌های پیشرفته تری آن را به اجرا درآوردند. در واقع مرحله جدیدی از تهاجم فرهنگی که زمینه را برای ادامهٔ غارت کشورهای عقب افتاده آماده کرد.

برای دستیابی به این هدف شوم در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شروع به فعالیت گسترده کرد. در درجهٔ اول فرهنگ مولد و پویای این جوامع را به یک فرهنگ غیر متحرک، مصرفی و مُرده تبدیل نمود و به تربیت نیروهای فرهنگی وابسته پرداخته و راه را برای فرار مغزهای خلاق و مبتکر این جوامع باز گذاشت تا نتوانند به توانایی‌های داخلی برسند.

وابستگی فرهنگی زمینه ساز سایر سلطه‌ها

دوام و قوام هر جامعه به فرهنگ آن جامعه است. بنابراین رسیدن به خودکفایی اقتصادی، سیاسی و نظامی، زمانی میسر است که استقلال فرهنگی وجود داشته باشد. نظامهای منحط سرمایه‌داری، پس از سالها تجربه و آزمایش به این نتیجه رسیده‌اند که مهمترین مانع توسعه طلبی آنها در کشورهای جهان سوم قدرت فرهنگی این ملتها است و تا زمانی که علایق مذهبی و فرهنگی جوامع مذکور دست نخورده باقی بمانند، چپاول منافع آنان امر مشکلی خواهد بود. لذا به این فکر افتادند که قبل از هر چیز سلطهٔ فرهنگی را کامل کنند.

اهداف و آثار تهاجم فرهنگی

بخش اول

اهداف تهاجم فرهنگی

بررسی انگیزه‌ها و اهداف رفتار بشر می‌تواند خانواده را در درک دامنهٔ کنشهای وی و نیز راههای درست رویارویی با آن یاری دهد. با توجه به این حقیقت روشن، تلاش در بازشناسی اهداف و انگیزه‌های استکبار جهانی در یورش فرهنگی بسیار حائز اهمیت

است بر این اساس باید یادآور شد که در پس پدیده شوم تهاجم فرهنگی، حقایقی ناگوار چهره می نماید؛ که سلطه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از زشت ترین آنها به شمار می آید.

الف) سلطه فرهنگی

ب) سلطه سیاسی

ج) سلطه اقتصادی

بخش دوم

آثار تهاجم فرهنگی

پیامدهای شوم یورش فرهنگی، بسی خطرناک و مصیبت بار است. از دست دادن سیادت اسلامی و اُفول ستاره شوکت و اقتدار تمدن دیر پای آن، حاصل تلاش ویرانگر و همه جانبه ای است که غرب از دوران رنسانس آغاز کرد. این اندیشه پلید که بیشتر به صورت تهاجم وسیع به مواضع فکری و فرهنگی جهان اسلامی تحقق یافت، آثار شوم و محنت باری را به دنبال داشت که مهم ترین آنها به قرار زیر است:

الف) استحاله فرهنگی و محو فرهنگ ملی

ب) وابستگی سیاسی - اقتصادی

شیوه های تهاجم فرهنگی دشمن

- ۱- تربیت دست آموزها
- ۲- ارائه الگوها و نمونه ها
- ۳- جدایی جوانان از اعتقادات دینی
- ۴- ارائه معیارهای فرهنگ غرب
- ۵- تبلیغ فراماسونری
- ۶- تشکیل مسابقات بین المللی ادبی، هنری، علمی و ورزشی منطبق بر ارزشهای غربی
- ۷- اعزام مستشاران خارجی و شرکتهای چند ملیتی
- ۸- طرح و تفسیر دمکراسی به شیوه غرب
- ۹- تلاش در جهت نابودی افکار مخالف
- ۱۰- ادعای دلسوزی برای آزادی مطبوعات

ابزارهای تهاجم فرهنگی

- ۱- خبرگزاری های بین المللی
- ۲- مطبوعات
- ۳- رادیو و تلویزیون
- ۴- سینما، تئاتر
- ۵- مواد مخدر

۶- کالاهای صادراتی

ویژگی‌های تهاجم فرهنگی

اساساً «تهاجم فرهنگی» در مقایسه با تهاجم نظامی یا اقتصادی، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است. تهاجم فرهنگی معمولاً نامرئی و نامحسوس است؛ دراز مدت و دیرپاست؛ ریشه‌ای و عمیق است؛ همه‌جانبه است؛ حساب شده و دارای برنامه و ابزارهای گسترده است؛ گسترده و فراگیر است؛ کارساز و خطرناک است. علاوه بر این‌ها، «تهاجم فرهنگی» همانند کار فرهنگی، یک کار آرام و بی‌سر و صداست و قربانیان آن بیش‌تر قشر جوان هستند.

در تهاجم نظامی، دشمن با تجهیزات و امکانات نظامی وارد معرکه می‌شود، اما در «تهاجم فرهنگی» نیازی به لشکرکشی و هزینه‌های هنگفت نظامی نیست؛ هم‌چنین دشمن در این تهاجم برای تحمیل حاکمیت فرهنگ خود از همهٔ حربه‌های سیاسی-اقتصادی، نظامی، روانی و تبلیغاتی بهره می‌گیرد. در «تهاجم نظامی» تنها بخشی از مرزها و سرزمین‌های مجاور در تیررس مستقیم دشمن قرار می‌گیرد، اما در «تهاجم فرهنگی» سلاح‌های مخرب دشمن تا عمق خانه‌ها پیش می‌رود و ذهن و قلب انسان‌ها را نشانه می‌گیرد. به همین دلیل است که پس از جنگ جهانی دوم، آیزنهاور رئیس‌جمهور وقت آمریکا اعلام کرده بود که: بزرگ‌ترین جنگی که در پیش داریم جنگی است برای تسخیر اذهان انسان‌ها.

تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی

تبادل فرهنگی ملت‌ها در طول تاریخ به شکلی طبیعی وجود داشته و عاملی برای رشد و تعالی مستمر فرهنگ‌ها بوده است. تبادل فرهنگی برای تازه ماندن معارف و حیات فرهنگی بشر امری بسیار ضروری است و جامعه انسانی را در ارتقای ارزش‌ها و پیمودن مسیر سعادت واقعی به پیش می‌برد. این جریان فرهنگی دو سویه است و هنگام قوت و توانایی ملت‌ها صورت می‌گیرد. در این روند، ملت‌ها با هدف ترویج ارزش‌های بشری، به تبلیغ ایده‌آل‌ها و معیارهای خود می‌پردازند و نیز عناصر و مفاهیم برجستهٔ فرهنگ‌های دیگر را وام می‌گیرند.

گسترش اسلام در برخی از مناطق جهان، از جمله شرق آسیا، از طریق رفت و آمد مسلمانان ایران به این مناطق، از نمونه‌های قابل استنادی است که پیامدهای مثبت تبادل فرهنگی را برای جامعهٔ بشری به خوبی اثبات می‌کند. در تبادل فرهنگی هدف اصلی باردار کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است و از این دیدگاه، تردیدی نیست که در برخورد با فرهنگ غرب نیز تبادل صحیح فرهنگی، منشأ آثار مثبتی خواهد بود.

بنابراین، اساساً تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی در دو جهت مخالف قرار دارند. تبادل فرهنگی فرآیندی متقابل و طبیعی است و با رضایت طرفین صورت می‌گیرد؛ ولی تهاجم فرهنگی یک طرفه، غیرداوطلبانه و سلطه‌گرانه است و اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی دارد. معرفی، انتقال و جایگزینی ارزش‌ها در تهاجم فرهنگی طبیعتاً تحمیلی است. در واقع در تبادل فرهنگی، هدف به روز کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است، ولی در «تهاجم فرهنگی» هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است.

قابل توجه است که فرهنگ‌پذیری با میل و به دلخواه یا تعامل فرهنگی، زمانی میسر است که هیچ‌گونه نابرابری اجتماعی یا سیاسی بین دو فرهنگ وجود نداشته و هیچ‌کدام برتری مادی یا معنوی نسبت به دیگری نداشته باشند. در مقابل، در سایه برتری تکنولوژی، قدرت نظامی، امکانات بیش‌تر اقتصادی و فنی، و برنامه‌ریزی سیاسی است که تسلط پدیده‌های فرهنگی یک جامعه بر دیگری انجام می‌گیرد.

در مجموع می‌توان گفت که: در تبادل فرهنگی سه اصل گزینش، تحلیل و جذب و اصل تولید فرهنگی، مد نظر متولیان فرهنگی یک جامعه است و این افراد برای زنده و پویا نگه داشتن فرهنگ خودی، عناصر فرهنگ بیگانه را بررسی و عناصر مثبت آن را گزینش و پس از تحلیل و تعیین تناسب آن با فرهنگ بومی، آن را جذب می‌کنند و به شکل عنصری از فرهنگ خودی در می‌آورند. به طور خلاصه، تفاوت تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی را می‌توان در موارد ذیل دانست:

۱- در تهاجم، هدف تخریب است، اما در تبادل فرهنگی هیچ کدام از دو فرهنگ قصد تخریب فرهنگ مقابل را ندارد و هدف انتقال و نشر فرهنگی است.

۲- در تهاجم، یک ملت برای جای‌گزینی فرهنگ خود، به نحوی ظالمانه سعی در ریشه‌کنی فرهنگ مقابل دارد، اما در تبادل فرهنگی چنین نیست.

۳- در تبادل فرهنگی، همواره جنبه‌های مثبت و انسانی مطرح است؛ بدین معنا که دو طرف قصد بارور کردن، تکامل بخشیدن و ارتقای یکدیگر را دارند؛ در حالی که در تهاجم فرهنگی اهداف خیرخواهانه در میان نیست. بلکه قلع و قمع، ارعاب، بی‌هویت کردن و ایجاد سلطه، مدنظر است.

۴- در تهاجم فرهنگی، قصد استیلا و به طور کلی، غرض سیاسی مأخوذ است و مهاجم اصولاً بقای فرهنگ مقابل را به هیچ عنوان نمی‌پذیرد.

سیر تاریخی تهاجم فرهنگی در ایران

محققان برآنند که مبدأ تاریخی تهاجم فرهنگی غرب در ایران را باید از آغاز حکومت قاجاریه و کمی قبل از آن فرض کرد؛ زمانی که نادر از دنیا رفت و مملکت ایران دچار آشوب و بی‌نظمی شد و کمپانی هند شرقی تحرکات خود را شدت بخشید شروع این حرکت با تأسیس مذاهب جعلی، مانند وهابیت در مذهب اهل سنت، و شیخیگری و بهائیت در مذهب تشیع اشاره کرد. این مذاهب جدید به منظور تغییر در اعتقادات واقعی دین اسلام و ایجاد اختلاف در میان مسلمانان طراحی شدند.

این حرکت در جامعه ایران از زمان اولین اعزام ایرانیان به غرب برای تحصیل، و بازگشت آنان به کشور، شدت بیش‌تری به خود گرفت. نخستین ایرانیانی که برای مأموریت و یا تحصیل به غرب سفر کردند، اسیر شبکه فراماسونری (۱) غرب شدند؛ تعدادی از آنان چون عسگرخان افشار ارومی و ابوالحسن خان ایلچی حلقه نوکری غرب را به گوش آویختند و در ازای گرفتن حقوق از بیگانگان، به ترویج غرب‌گرایی و تأمین منافع آنها در ایران پرداختند. مشخصه تمامی این فرنگ‌رفتگان، خودباختگی در مقابل مظاهر تمدن غرب و ترویج غرب‌گرایی در ایران بود؛ برای مثال، آخوندزاده علت عقب‌ماندگی ایرانیان را دین اسلام و خط عربی می‌داند.

با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و آغاز سلطنت رضاخان، روشنفکران غرب‌زده با شکل جدیدی از تهاجم فرهنگی در ایران ظهور کردند. رضاخان در طول ۲۰ سال سلطنت خود، انهدام فرهنگ قومی، ملی و اسلامی ایران را بنا نهاد. با توجه به ضعف توانایی‌های فکری و علمی او، چنین حرکت حساب شده‌ای نمی‌توانست حاصل درک و بینش وی باشد. او با حضور مستشاران متعدد غربی و همکاری و اقتدار روشنفکران وابسته در دستگاه حکومت خود، تدارک این حرکت ضد فرهنگی را فراهم نمود برای مثال، حسن تقی‌زاده که سمبل مدافعان ترویج کامل و بی‌حد و مرز معیارهای غربی در کشور و گرداننده اصلی مجله شبه روشنفکری کاوه است می‌نویسد:

«وظیفه اول همه وطن‌پرستان ایران قبول و ترویج تمدن اروپا، بلاشرط و قید، و تسلیم مطلق شدن به اروپا و اخذ آداب و عادات و رسوم و تربیت و علوم و صنایع و زندگی و کل اوضاع فرنگستان است، بدون هیچ استثنا. به سخن دیگر ایران باید ظاهراً و باطناً،

جسماً و روحاً، فرنگی مآب شود و بس.»

۱- فراماسونری سازمانی متکی بر پنهان کاری و نهان‌روشی است و نظریه‌های سیاسی آن در جهت عملی کردن تهاجم فرهنگی غرب و بسط و نفوذ استعمار با کارکردی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شکل یافته است.

----- در مجموع می‌توان گفت این استعمارگران بودند که به بهانه‌های مختلف به منظور تسلط بر کشورهای جهان سوم از این حربه استفاده کردند.

سابقه تاریخی این فرآیند در غرب به بعد از رُنسانس و انقلاب علمی در جامعه اروپا برمی‌گردد؛ هنگامی که صنعت و علم با شتاب بیشتری رشد یافت و کشورهای صنعتی که از تولیدات، اشباع شده بودند، از یک طرف نیازمند بازارهای جدید مصرف شدند و از سوی دیگر تداوم حیات صنعت غرب، بستگی تام به سوخت و مواد اولیه داشت. در این زمان معقول‌ترین انتخاب برای غرب در خصوص تأمین منابع اولیه و به‌دست آوردن بازار مصرف،

نزدیک‌ترین منطقه به آنان، یعنی جهان اسلام بود؛ به همین سبب، ذخایر غنی نفتی و بازارهای مصرف این منطقه از جهان، هدف تهاجم آنان قرار گرفت. بدین ترتیب کشورهای اسلامی یکی پس از دیگری با روش‌های مختلف سیاسی، نظامی و فرهنگی استعماری در ظاهر استقلال پیدا کردند. شرکت‌ها و صنایع اروپایی در این کشورها رخنه نموده و بازارهای این کشورها را در اختیار گرفتند. برای تثبیت وضع موجود، تنها چاره‌ای که به فکر اندیشمندان و متفکران سیاسی غرب رسید، استفاده از «تهاجم فرهنگی» بود؛ زیرا توسل به نیروی نظامی و زور، برای همیشه راه‌حل مناسبی برای استیلا نبود و برای مدت‌های طولانی نمی‌شد استثمار را با آن تداوم بخشید.

به همین سبب استعمارگران از دیدگاه‌ها و نظریات علمی استعماری که زمینه تهاجم فرهنگی را فراهم می‌آورد استقبال کردند. کلام معروف سیسیل رودس، یکی از متفکران انگلیسی، شاهدی بر این مطلب است که تهاجم فرهنگی از طرف غرب به شکلی سازماندهی شده و برای حفظ منافع درازمدت آنان صورت گرفته است. او می‌گوید: «برای این که ۴۰ میلیون جمعیت پادشاهی متحده بریتانیا را از یک جنگ داخلی خونین نجات دهیم، باید سرزمین‌های جدیدی را به دست آوریم تا مشکل اضافه جمعیت حل شود و بازارهای جدیدی برای کالاهای تولید شده در کارخانه‌ها و معادن فراهم گردد. همان‌طور که همیشه گفته‌ام، «امپراطوری» راه حلی برای مسأله نان و بیکاران است. اگر می‌خواهید جنگ داخلی نداشته باشید، باید امپریالیست شوید!»

به گفته یکی از محققان ایرانی، امروزه داعیه برتری‌طلبی و تسلط فرهنگ غربی به مرحله‌ای رسیده است که تحمل هیچ رقیبی را برای خود ندارد: «در طرح تاریخی غربی شدن عالم، مطلب صرفاً این نبوده است که فرهنگ‌های غیر غربی جای خود را به فرهنگ غربی بدهند، بلکه مسأله این بوده است که هر جا و هر قوم که غربی نشود، ناچیز است و این ناچیز، چه در صورت ظاهر و سیمای بشر و چه به صورت اشیا یافت شود، جز این قابلیت ندارد که به تملک و تصرف غرب درآید؛ پس قضیه غرب این نیست که گروهی سوداگر حریص متجاوز در جایی پیدا شده‌اند و علم و عقل را وسیله تسلط و استیلای خود قرارداده‌اند. غرب عین این علم و عقل است و در نظر او یک عالم بیش‌تر وجود ندارد؛ یعنی غیرت غربی به وجود غیر و مغایر مجال نمی‌دهد، هر چه هست باید غربی بشود یا از میان برود.»

البته امروزه با تسلط فرهنگ آمریکایی و گسترش آن در کشورهای اروپایی، این هراس به وجود آمده است که این آمریکایی‌سازی، فرهنگ عامه اروپا را نیز دست‌خوش تغییر سازد.

امروزه در تقسیم کلی، فرهنگ کشورهای جهان را به دو دسته شرقی و غربی تقسیم می‌کنند. دو اصطلاح شرق و غرب تعابیر جغرافیایی هستند و با این ملاک کشورهای چین، فیلیپین، ژاپن و... شرقی محسوب می‌شوند و ایسلند، کانادا و تمام آمریکا از شمال تا جنوب، غربی؛ اما این دو مفهوم در حوزه‌ها و قلمروهای دیگر مثل سیاست، حکمت، فلسفه، عرفان و تاریخ هم در برابر هم قرار می‌گیرند؛ برای مثال، تقابل اسلام و غرب، صورتی از تقابل شرق و غرب محسوب می‌شود. در این تقسیم‌بندی تاریخی و سیاسی منظور از فرهنگ غربی همان بینش یونان و روم بعد از میلاد مسیح و اروپای بعد از رنسانس است که برخی از ویژگی‌های آن عبارت‌ند از: اصالت قدرت، اصالت ماده، اصالت زندگی، نظم فکری و عملی، اصالت مصرف، میل به تحلیل عقلانی، خودمداری و اومانیسیم.

در مقابل فرهنگ غربی، مجموعه‌ای از فرهنگ‌های ملل شرقی قرار دارد که عمدتاً دارای ویژگی‌های زیر است: طالب و تابع قطب بزرگ ازلی (خداوند) است (اصالت وحدانیت)؛ در جست‌وجوی روح و یافتن راز خلقت است (اصالت روح)؛ میل به تحلیل عاطفی دارد؛ قوم‌گرا و ناسیونالیسم است؛ به همه‌چیز با دیده ابهام می‌نگرد.

عوامل تهاجم فرهنگی

اشاره

عوامل تهاجم فرهنگی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

عوامل برون‌زا

زمینه‌ها، عناصر و ابزاری که به نحوی ردپای کشورهای خارجی (غربی) در آنها دیده می‌شود عوامل برون‌زا هستند؛ از جمله: اعزام مستشرقین، تلاش برای دین‌زدایی از طرق مختلف، ایجاد روحیه خودباختگی فرهنگی، ساخت و فروش وسایل ارتباطی، نظیر ماهواره و ویدئو و... سیاست‌گزاران و طراحان کشورهای سلطه‌جو این عوامل را طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنند و افراد داخلی آن را به اجرا درمی‌آورند.

عوامل درون‌زا

زمینه‌ها، عناصر و ابزاری که ریشه داخلی داشته و غیرمستقیم یا مستقیم به پذیرش تهاجم فرهنگی از خارج به داخل کمک می‌کنند عوامل درون‌زا هستند؛ از جمله: زمینه‌هایی هم‌چون بیکاری، فقر اقتصادی، ناب‌سامانی خانوادگی، غفلت مسئولین فرهنگی و اجتماعی و ناآگاهی جوانان و نوجوانان و... .

نقش خانواده در مقابل تهاجم فرهنگی

با توجه به اینکه دشمنان ایران اسلامی در درجه اول این تهاجم؛ کودکان، نوجوانان و جوانان را به عنوان هدف قرار داده‌اند. خانواده‌ها باید پس از شناخت فرهنگ، انواع فرهنگ، زمینه، اهداف و آثار تهاجم فرهنگی، شیوه‌های تهاجم و از همه مهتر نقش خود در مقابل آن را که همان مقابله با تهاجم فرهنگی است را به دقت مورد بررسی قرار دهند.

راههای مقابله با تهاجم فرهنگی

اشاره

بی‌تردید امروزه اکثر کشورها در پی آن هستند که راهکارهایی بیندیشند تا از تخریب و تضعیف فرهنگ خود از طریق رسانه‌های همگانی هدایت شده توسط غرب بکاهند؛ هرچند کسی منکر این واقعیت نمی‌تواند باشد که در دنیای امروز، کشورها نمی‌توانند دیواری به دور خود بکشند و از برخورد فرهنگ جامعه خود با فرهنگ‌های بیگانه، در امان باشند، زیرا رسانه‌های همگانی جهان همچون ماهواره‌ها و تکنولوژی اینترنت، مردم دنیا را در جریان آخرین پیشرفت‌ها، مُد‌ها، ساخته‌ها، هنرها و غیره قرار می‌دهند. اگر فرهنگ جامعه‌ای توان خود را از دست بدهد و اگر مردمی از فرهنگ خود گسسته شوند، قدرت درست اندیشیدن از آنها سلب می‌گردد و در این دریای ارتباطات غرق می‌شوند.

اگر ظرف مدت دو سال، جامعه شوروی سابق به کلی دگرگون می‌شود و رسانه‌ها و کانال‌های تلویزیونی آمریکایی و اروپایی چنان فرهنگ آن را در هم می‌کوبند که آثار نویسندگان و هنرمندان بزرگ روسیه به کلی فراموش می‌شود و الگوهای غرب مقبولیت می‌یابند، بیش‌تر به این دلیل است که پیش از آن، فرهنگشان صلابت و ایستادگی خود را از دست داده بود. ما معتقدیم فرهنگ اصیل اسلامی و تعصب مذهبی، همچون درخت تنومندی در ذهن و قلب مردم مسلمان این مرز و بوم ریشه دوانیده است و طوفان «تهاجم فرهنگی» به راحتی نمی‌تواند این درخت را از جای برکنند، اما نباید از تکانه‌های گاه و بیگاه آن که میوه‌های نارسیده را سرنگون می‌سازد غافل بود؛ لذا شناخت راههای مقابله با تندباد تهاجم بسیار حایز اهمیت است.

ملت‌هایی که علاقه‌مند به حفظ و پاسداری از «هویت فرهنگی» خود هستند، سعی می‌کنند فرهنگ غیرمادی جامعه خویش را حفظ نمایند. البته این بدان معنا نیست که می‌توان (یا باید) فرهنگ غیرمادی را کاملاً دست نخورده و ثابت و اصیل نگه‌داشت؛ زیرا، همان‌طور که در ویژگی‌های فرهنگ ملاحظه شد، تغییر از خصوصیات فرهنگ است. ولی این تغییر، در صورتی به هویت فرهنگی آسیب نمی‌رساند و باعث از هم گسیختگی آن نمی‌شود که جریان کند، بطئی، عادی و خودبه‌خودی را بپیماید. برای مقابله و مبارزه با «تهاجم فرهنگی» راههای بسیار زیادی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ذکر شده که هر کدام دارای اهمیت خاص خود است.

با کنکاشی فشرده در زمینه‌ها، ابزار و شیوه‌های «یورش فرهنگی» راههای رویارویی با آن آشکار می‌شود، ولی برشمردن مؤثرترین آنها می‌تواند چونان تذکاری خانواده‌ها را سودمندتر افتد و ایشان را در این نبرد مقدس یاری دهد. بر این اساس، مهمترین این راهها از نظر ثمر دهی و کارآیی به قرار زیر است:

- ۱- تقویت بینش دینی و سیاسی
- ۲- دقت در برنامه‌های آموزش و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان
- ۳- اشباع نیازهای طبیعی فرزندان از راههای مشروع
- ۴- زدودن فقر اقتصادی
- ۵- پیشگیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن
- ۶- تقویت و احیای عزت نفس
- ۷- مبارزه با روحیه تجمل‌گرایی
- ۸- شناخت فرهنگ و اهداف دشمن در تهاجم فرهنگی
- ۹- استفاده از همه ابزارهای ممکن برای دفاع فرهنگی حال به شرح مفصل هر یک از این موارد جهت شناخت و بالا رفتن آگاهی خانواده‌ها می‌پردازیم:

تقویت بینش دینی و سیاسی

اعتقاد به حقایق با عظمتی چون آفریدگار جهان، پیامبران الهی و رستاخیز نوعی تعهد در فرزندان پدید می‌آورد و میزان مصونیت آنها را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر خانواده‌ها با تقویت باورهای دینی و پی‌ریزی بینشی درست در فرزندان در زمینه مذهب و سیاست می‌توانند آنها را به سنگری نفوذ ناپذیر در برابر بمباران فرهنگی دشمن تبدیل نمایند و سودجویان غرب را ناکام و ناامید سازند. بی‌تردید، چنین ایمانی فرزندان را به جهت‌گیری صحیح رفتاری رهنمون می‌شود و از کج روی و ناهنجاریها باز می‌دارد.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

... "یهدیهم ربهم بایمانهم" (۱...)

پروردگارشان به سبب ایمانشان هدایتشان می‌کند.

به واقع، ایمان درست و اعتقاد راسخ به اصول دین، فرزندان را در برابر امواج فساد غرب مقاوم می‌سازد. بر این اساس دستگاههای مذهبی چون حوزه‌های علوم دینی، رسالتی سخت‌عظیم را در یاری خانواده‌ها در این مسیر بر عهده دارند. و باید پرداختن به اصول دین و تقویت باورهای مردم را بیش از همیشه مورد توجه قرار دهند.

البته در کنار پرورش نهال ایمان در دل‌های فرزندان ایران اسلامی، آگاه ساختن آنان به مسائل سیاسی روز و تبیین هدف شوم دشمن در یورش فرهنگی نیز ضروری است. «احمد هوبر» روزنامه‌نگار مسلمان سوئسی در این باره می‌گوید: اولین کاری که خانواده‌ها در این راه باید انجام دهند این است که در رسانه‌های گروهی ایران؛ رادیو، تلویزیون و مطبوعات، آنچه را که درباره انحطاط این فرهنگ تجاری می‌دانند به گوش جوانان برسانند و ثابت کنند که این فرهنگ دروغین یا یک مُد جدید لباس، هیچ ارتباطی به شیوه جدید زندگی ندارد؛ بلکه تمام آن از پول و سیاست سرچشمه می‌گیرد و در حقیقت جنگی است علیه اسلام.

دقت در برنامه‌های آموزش و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان

کودکان با دل‌های پاک و اندیشه‌های شفاف برای پذیرش پیامهای آموزشی و پرورشی از آمادگی ویژه‌ای برخوردارند. به گونه‌ای که آثار پیامهای دریافت شده در روزگار خردسالی تا پایان زندگی در رفتار و کردار آنان باقی می‌ماند. با توجه بدین حقیقت بزرگ، خانواده‌ها باید از فرصت طلایی خردسالی سود برند و به یاری هنر، ورزش و انواع سرگرمیهای ارزشهای والای اسلامی را در ژرفای وجود فرزندان اسلام جای دهند.

پیر راز دار امت، حضرت امام خمینی (قدس سره) در این باره هشدار می‌دهد که:

«آنان [استعمارگران] چنانچه تجربه نشان داده، جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخایر شما و به بند استعمار و ننگ و وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگری فکر نمی‌کنند. و می‌خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب مانده و به اصطلاح نیمه وحشی نگه دارند.» (۲)

۱- یونس، آیه ۶.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۸۵.

۳- اشباع نیازهای طبیعی فرزندان از راههای مشروع

انسان مجموعه‌ای در هم پیچیده از غرایز گوناگون است. غرایزی که پیوسته او را به جنبش در کوچه‌های پُر پیچ و خم زندگی فرا می‌خواند. این خواستها به گونه‌ای نیرومندند که می‌توانند انسان را در پی خویش به بیغوله‌های تاریک و ناشناخته انحراف

بکشانند.

با توجه بدین حقیقت برآورده نشدن این غرایز در جوانان در حد معقول و یا زیاده روی در کامروایی غریزی می تواند خطر ساز باشد. رها ساختن نامعقول جوانان در بهره گیری هر چه بیشتر و به هر شکل ممکن از این نیروهای مقدس، آنان را از تلاش در حد مشروع، یا ناتوانی در برآوردن نیازهای طبیعی نیز زمینه را برای روی آوردن همه جانبه به سوی برنامه های مخرب دشمن فراهم می آورد؛ انبوه جوانان سوخته در آتش غرایز را در دام سرکشی و گسستن بندهای اخلاق و عفاف گرفتار می سازد.

زدودن فقر اقتصادی

تنگدستی را شاید بتوان از پلیدترین پدیده های جامعه به شمار آورد. حقیقت ناگواری که پیشوایان دین آن را به کُفر نزدیک دانسته اند و دانشمندان از آن به عاملی برای آغاز انحراف و بزهکاری یاد کرده اند. بی تردید بسیاری از ناهنجاریهای اجتماعی چون سرقت، ولگردی، گدایی، خود فروشی و... به علت تنگدستی و بی چیزی به وجود می آید. پدیده فقر در هر جامعه ای که چهره کریه خود را به نمایش بگذارد، مانند سیلی بنیان کن زیر بنای تمامی ارزشهای خانوادگی را از بُن ویران می کند و کاخهای کرامت و شرافت آدمی را در بیغوله های ننگ و بدنامی تبدیل می کند.

پیشگیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن

عناصر خود فروخته فرهنگی، مطبوعات و مجله های گمراه کننده، فیلمهای مبتذل و... نمونه هایی از عوامل فرهنگی دشمن برای به انحراف کشیدن جوانان به شمار می آیند. نگاهبانی از ارزشهای الهی، بینشی ژرف می طلبد بینشی که در سایه آن همه عوامل فرهنگی غرب را شناسایی و کنترل نموده و در صورت لزوم طرد و منزوی سازد. به وجود آوردن چنین بینشی از طرف خانواده ها در فرزندان، زمینه را برای خنثی سازی این حربه خطرناک و آگاه بودن آنها در هنگام رویارویی با این عوامل، فراهم می سازد. با چنین درایتی از طرف خانواده و عمل نمودن فرزندان و به خصوص قشر جوان جامعه، مطمئناً شاهد شکست دشمنان در این مورد نیز خواهیم بود.

تقویت و احیای عزت نفس

از جمله راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی، تقویت و احیای روحیه عزت نفس در فرزندان می باشد. بنابراین لازم است خانواده با تقویت این روحیه و زدودن احساس خود کم بینی جوانان، آنها را از تقلید کورکورانه از روشهای زندگی بیگانگان باز داشت. در این باره امام صادق(ع) می فرماید:

خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی کرده که به مؤمنان بگو:

"لَا تَلْبِسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي، وَلَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي، وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي، فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي" (۱)

"لباس دشمنان مرا نپوشید و غذای دشمنان مرا نخورید و به شیوه دشمنان من رفتار نکنید که شما نیز همانند آنان جزو دشمنان من خواهید شد" (۱).

بنابراین لازم است خانواده ها روحیه عزت نفس را در فرزندان ترویج و تقویت کنند تا زمینه پذیرش برنامه های فرهنگی دشمن از بین برود.

مبارزه با روحیه تجمل گرایی

امروزه اثر مستقیم روحیه تجمل گرایی بر واردات کالاهای مصرفی لوکس و پیروی از مدهای گوناگونی که حجم انبوهی از فرهنگ و ارزشهای غربی را یدک می کشند، بر کسی پوشیده نیست نگاهی به زندگی روزانه مرفهین بی درد نشانگر این واقعیت است که پیروی از مد، حتی در شیوه خوراک آنان نیز دگرگونی پدید آورده است. البته زیان روحیه رفاه جویی و تجمل گرایی تنها در تغییر شیوه پوشش، خوراک و رفتارهای اجتماعی و شخصی آشکار نمی شود بلکه در بالا- رفتن میزان بزهکاریها و زیر پا نهادن اصول اخلاقی نیز اثری شگرف دارد. افزایش خواسته های جوانان که در سایه چنین روحیه ای پدید می آید انگیزه ای نیرومند برای سرقت، کلاهبرداری، رشوه و... به شمار می آیند. از این رو، در مبارزه فرهنگی، زدودن روحیه تجمل گرایی از دل های جوانان باید به گونه ای جدی مورد توجه قرار گیرد. و اثرات منفی آن برای آنها تبیین شود تا جوانان با نگرشی آگاهانه به مسائل بیندیشند و از روی آوردن و تسلیم بی چون چرا در برابر امواج ویرانگر این شیخون مخرب در امان باشند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۷۹، ابواب لباس المصلی، باب ۱۹، حدیث ۸.

استفاده از همه ابزارهای ممکن برای دفاع فرهنگی

اگر دشمن برای شکست ما به هر وسیله ممکن چنگ می زند، ما نیز باید به حکم دستور قرآنی "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ" از هر وسیله مشروعی سلاحی بسازیم و از فرهنگ اسلامی خویش پاسداری کنیم. در این راه باید از یک سو امکانات فرهنگی، هنری و ورزشی توسعه یابد؛ تا جوانان به تفریحات سالم روی آورند و از سوی دیگر باید همه کوششهای فرهنگی و... در دفاع از ارزشهای الهی هدایت شود. رهبر فقید انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) در این باره می فرماید:

«در رژیم سابق تمام چیزها، خصوصاً فرهنگ و هنر محتوایش عوض شده بود. یعنی کسی که نام سینما را می شنید، خیال می کرد که آن جا باید مرکز فساد و سوء اخلاق و مرکز مخالفت با همه چیز باشد. و یا کلمه تئاتر در ذهن انسان چیز مبتدلی بود که از آن بهره فساد برده شود؛ هکذا همه چیز دیگر. و عمده این است که ما ذهن این جوانها و حتی پیرها و روشنفکرانها را آماده کنیم که ما خودمان آدم هستیم و این طور نیست که در همه چیز دستمان را پیش دیگران دراز کنیم... بنابراین مدتها باید زحمت بکشیم و باور کنیم که خودمان دارای یک فرهنگ بزرگ انسانی با ارزشهای اسلامی هستیم. و اگر امروز کمبود نیروی انسانی هست، به خاطر همین است که افکار به آن طرز تفکر عادت کرده است؛ لذا ساختن تئاتری که مطابق با اخلاق انسانی- اسلامی باشد، زحمت دارد. و سینما هم اگر بخواهد چنین باشد، نیازمند به صرف مدتها وقت است و هرگز در متن سینما و تئاتر نوشته نشده است که باید

مرکز فساد باشند.» (۱)

۱- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۶۱-۱۶۲.

منابع

۱- فرهنگ و شیعه فرهنگ، محمد علی اسلامی، ص ۱۰۱.

- ۲- فرهنگ استقلال، جواد منصوری، ص ۱۱۲.
- ۳- مرتضی مطهری، آشنائی با علوم اسلامی، (قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۲).
- ۴- پیام انقلاب، س ۳، ش ۱۲۳.
- ۵- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۸۵.
- ۶- وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۲۷۹، ابواب لباس المصلی، باب ۱۹، حدیث ۸.
- ۷- داوری اردکانی، رضا، ۱۳۷۹؛ "تبادل فرهنگی و فرهنگ جهانی غربی"، درباره غرب، چاپ اول، تهران: هرمس.
- ۸- روسک، جوزف، و رولندوارن، ۱۳۶۹؛ مقدمه جامعه‌شناسی، ترجمه بهروز نبوی و احمد کریمی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کتابخانه فروردین.
- ۹- صلاحی، جاوید، ۱۳۷۶؛ تهاجم فرهنگی و مقابله با آن، گزارش تحقیقاتی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۰- مسگرزاد، جلیل، ۱۳۷۳؛ جایگاه ادبیات و علوم ادبی در بازاری تهاجم فرهنگی، مجموعه مقالات کنفرانس تهاجم فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۱- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۶؛ تهاجم فرهنگی، تحقیق عبدالجواد ابراهیمی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۱۲- خرم، مسعود، ۱۳۷۸؛ هویت، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات حیان.
- ۱۳- آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۷۵؛ "تحلیل جامعه‌شناختی از: راههای نفوذ فرهنگی غرب در ایران معاصر"، کتاب سروش، (مجموعه مقالات، رویارویی فرهنگی ایران و غرب در دوره معاصر)، چاپ اول، تهران: سروش.
- ۱۴- فقیه حقانی، موسی، ۱۳۷۵؛ "فراماسونری و گسترش فرهنگ غرب در ایران"، کتاب سروش (رویارویی فرهنگی ایران و غرب در دوره معاصر)، چاپ اول، تهران: سروش.
- ۱۵- فیاض، محمدسعید، ۱۳۷۲؛ درآمدی بر تهاجم فرهنگی غرب، مرکز مطالعات اسلامی، تهران: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۶- شفیعی سروستانی، اسماعیل، ۱۳۷۲؛ تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- ۱۷- ابراهیمی، پریچهر، ۱۳۶۷؛ تأملی بر فرهنگ، تفاوت فرهنگ شرق و غرب، تهران: انتشارات آموزشی رشد علوم اجتماعی.
- ۱۸- قائم مقامی، فرهت، ۱۳۵۶؛ آموزش یا استعمار فرهنگی، چاپ سوم، تهران: انتشارات جاویدان.
- ۱۹- نگارش، حمید، ۱۳۸۰؛ هویت دینی و انقطاع فرهنگی، چ اول، قم: نهاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه، مرکز تحقیقات اسلامی.
- ۲۰- سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، ۱۳۷۳؛ چاپ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۲۱- کاظم‌زاده، فیروز، ۱۳۷۱؛ روس و انگلیس در ایران، چاپ دوم، انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۲۲- استریناتی، دومینیک، ۱۳۸۰؛ نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه‌ی ثریا پاک‌نظر، چاپ اول، تهران: گام نو.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی)

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی
جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۳۳۱-۵۳۴۵-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبان: ۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال،
خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

